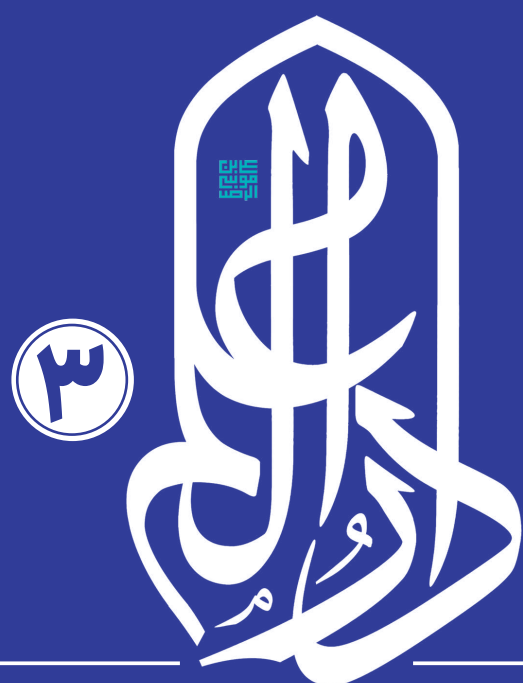




نشریه اینترنتی دارالعلم | شماره سوم | دوشنبه ۶ مرداد ماه ۱۴۰۴

حرکت علمی حوزه خراسان، زمینه ساز پیشگامی در جهان اسلام

با گفتارها و مباحثی از
اساتید عالی قدر

- سیدان
- میرباقری
- بهجة العطار
- حکمت نیا
- ارسطا
- علا سوند
- میرخانی



تحقق دولت اسلامی در گرو هماهنگی فقه، علم و برنامه‌ریزی است



آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی، عضو مجلس خبرگان رهبری و استاد درس خارج فقه حوزه علمیه قم، در جمع پرشور طلاب و دانشجویان علوم دینی مدرسه فقه و اصول، یکی از پنج مدرسه تخصصی دارالعلم، به تبیین موضوع «ماهیت و نقش ملاکات در فقه حکومتی» پرداخت و مباحثی را در این زمینه ارائه داد.

● همه اختیارات باید تحت هدایت دین باشد

آیت‌الله میرباقری در ابتدای بحث، اختیارات انسان را به دو دسته ظاهری و باطنی تقسیم کرد و گفت: این اختیارات شامل جنبه‌های فردی و اجتماعی است که همگی باید تحت هدایت دین و ولایت الهی قرار بگیرند.

وی افزود: این احکام برای سرپرستی اختیارات بندگان نازل شده است و صرفاً برای تعیین و تکلیف موضوعات نیست. برای حرکت دادن جامعه به سمت دین، حکومت نیازمند یک کل متغیری است تا برنامه راه را بر اساس آن تعیین کند.

● لزوم برنامه‌ریزی بر پایه فقه اسلامی

آیت‌الله میرباقری در سخنان خود بر این نکته تأکید کرد که حکم شرعی را باید ناظر به تحولات یک «کل متغیر» دانست که در حال حرکت از وضعیتی به وضعیت مطلوب دیگر است.

وی با طرح تمثیل نسخه‌نویسی برای بیمار، توضیح داد که همان‌گونه که سلامت یک فرد بر اساس شاخص‌های متعین و با توجه به وضعیت خاص او تعریف و درمان می‌شود، باید نسخه‌ای نیز برای بهینه‌سازی وضعیت جامعه طراحی شود.

این استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه برای تغییر وضعیت جامعه در حوزه‌هایی مانند سیاست، اقتصاد، معیشت و فرهنگ و ... باید ابتدا وضعیت مطلوب را مشخص و شاخص‌هایی برای آن تعریف کرد، یادآور شد: باید بر اساس یک الگوی دقیق، نسخه‌ای برای بهبود وضعیت جامعه نوشت و مشخص کرد چه اصلاحاتی در بخش‌های مختلف لازم است.

وی افزود: معمولاً برنامه‌ریزی‌ها بر پایه فقه اسلامی انجام نمی‌شود، بلکه بر مبنای علوم انسانی شکل می‌گیرد و نهایت این است که بخشی از برنامه‌ریزی‌ها که از طریق مجلس ریل‌گذاری شده، خروجی آن توسط شورای نگهبان کنترل می‌شود؛ در حالی‌که دین در طراحی شاخص‌ها و الگوی تغییر وضعیت نقشی ندارد بلکه حداکثر در قانون اساسی که ولی فقیه سیاست‌گذاری می‌کند، این سیاست‌ها در بعضی از برنامه‌ریزی‌ها اعمال می‌شود.

● دستور دین برای تغییر متغیرها

عضو مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه باید بررسی کرد آیا دین تنها کلی‌گویی می‌کند یا برای تغییر تمام متغیرهای اجتماعی هم دستور دارد، تصریح کرد: اگر فقه برای این مسائل دستور داشته باشد، چند نکته مطرح می‌شود: نخست اینکه با یک «نظام حکم» روبه‌رو هستیم که ناظر به وضعیت فعلی جامعه است.

وی اضافه کرد: در این چارچوب، مجموعه‌ای از رفتارها برای عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب مشخص شده و برای آن‌ها حکم صادر می‌شود؛ یعنی یک منظومه هماهنگ از احکام برای مدیریت تغییر اجتماعی شکل می‌گیرد.

● نقش احکام ولایی در اصلاح جامعه

آیت‌الله میرباقری در ادامه، تفاوت میان «قضایای حقیقیه» و «قضایای خارجیه» را در صدور احکام مورد توجه قرار داد و تأکید کرد: نظام احکام اداره، به نحو قضیه خارجیه است، زیرا ناظر به یک وضعیت بالفعل و متعین می‌باشد و حاکم موظف است بر اساس آن، احکام را انشا و اعمال کند.

وی توضیح داد: احکام در اینجا یک منظومه دستورات به هم پیوسته منظم است و جنبه ولایی دارد. مجموعه‌ای از دستورات که با هدف ایجاد تغییر در جامعه صادر می‌شود؛ این احکام وظایف نهادهای مختلف در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی را تعیین می‌کند تا جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب برسد.

رئیس فرهنگستان علوم اسلامی، دستورات را از آن جهت که نسخه‌ای عملی برای تغییر شرایط عمومی است، بیرونی و ناظر به جامعه دانست و متذکر شد: در این چارچوب، برنامه‌ریزی‌ها بر اساس مجموعه‌ای از احکام صورت می‌گیرد که هدف آن اصلاح بسترها و در نتیجه، اصلاح نظام اداری در جامعه است.

● نقد برنامه‌ریزی کشور بر اساس علوم انسانی

عضو فرهنگستان علوم اسلامی، با نقد رویه رایج برنامه‌ریزی در کشور که مبتنی بر علوم انسانی و بدون استناد به منابع دینی است، خاطرنشان کرد: احکام اداره جامعه باید از دین استنباط شود. بدین‌صورت که احکام جهت، احکام ارکان و احکام مقومات از دین استنباط شود و تطبیق بر شرایط موجود توسط فقیه صورت بگیرد؛ یعنی خود حاکم موضوع را احراز کرده حکم را مستقیم روی موضوع می‌برد و وقتی برای تغییر وضعیت موجود نسخه می‌نویسند، یک مجموعه دستورات منسجمی برای تغییر وضعیت را لحاظ می‌کند.

استاد خارج فقه حوزه علمیه قم، با اشاره به اینکه این نسخه به نحو قضیه خارجیه است و شامل نظام تکالیف و احکام برای یک مجموعه می‌شود، عنوان کرد: وقتی می‌گوییم احکام

اداره، مقصود فقط احکامی نیست که ولی فقیه به آن مکلف است، بلکه ذیل ولایت فقیه یک نظام اداره‌ای شکل می‌گیرد.

وی تصریح کرد: در نظام ولی فقیه، مجلس، دولت و قوه قضاییه وجود دارد که برای هر یک احکام و تکالیفی معین شده که همه این‌ها ارکان اداره است. ذیل هر یک از این ارکان، دستگاه‌هایی گسترده شکل می‌گیرد که در اداره کشور تدبیر می‌کنند.

● تعبیر دولت اسلامی

آیت‌الله میرباقری با بیان اینکه احکامی که صادر می‌شود، ناظر به دستگاه اداره است، تأکید کرد: ما با یک ساختار بزرگ مواجه هستیم که اداره می‌کند. اگر این ساختار ساختار دموکراتیک باشد، یک نحو اداره می‌کند، اگر سلطنتی باشد شکل دیگری پیدا می‌کند و اگر دستگاه ولایت فقیه باشد ساختار و منظومه برنامه‌ریزی آن متفاوت می‌شود؛ این همان است که رهبر معظم انقلاب با عنوان «دولت اسلامی» از آن تعبیر می‌کنند.

وی افزود: وقتی دولت اسلامی می‌شود که مجموعه ساختاری که می‌خواهد ذیل ولایت فقیه کشور را اداره کند بر اساس دین تنظیم شود و نظام و برنامه آن نیز بر اساس دین باشد. نکته مهم در تنظیم وضعیت و رسیدن به تغییر مطلوب، ارائه یک منظومه دستورات متعین است.

● نرم‌افزار اداره جامعه، هماهنگ‌کننده دین، علم و اجرا

عضو مجلس خبرگان سپس به تدوین نسخه‌ای اجرایی در اداره جامعه اشاره کرد و ادامه داد: ارکان این نسخه از دین استخراج و با شرایط روز تطبیق داده می‌شود، سپس فقیه با تنظیم آن، حکم ولایی صادر می‌کند، اما برای اداره جامعه علوم دیگر هم نقش دارند و باید بین مکتب دین، علم و اجرا هماهنگی ایجاد شود.

وی با اشاره به لزوم ترکیب سه عقل نظری، عملی و تجربی در مدیریت جامعه، بر هماهنگی میان استنباط فقهی، مدل‌های علمی و برنامه‌ریزی تأکید کرد و اظهار داشت: راه حل، «نرم‌افزار اداره

جامعه» است و تا زمانی که شبکه تحقیقاتی هماهنگ‌کننده میان فقه، علوم و مدل‌های برنامه‌ریزی ایجاد نشود، امکان تحقق دولت اسلامی فراهم نخواهد شد.

● تحقق تمدن اسلامی در سایه فقه استنباطی

آیت‌الله میرباقری، با تأکید بر اینکه دین ناظر به سرپرستی کل متغیر است و نباید نقش آن را به احکام کلی و فردی محدود کرد، یادآور شد: تنها از طریق تولید یک منظومه منسجم از احکام ولایی مبتنی بر فقه استنباطی می‌توان مسیر تحقق تمدن اسلامی را هموار ساخت. دخالت دین در برنامه‌ریزی نباید تنها دخالت در خروج و اصلاح در آخر کار باشد، بلکه در فرایند ساخت باید حضور داشته باشد؛ یعنی احکام جهت مقومات باید استنباط و بر اساس آن وضعیت تنظیم شود.

ایشان با تأکید بر اینکه آنچه دین امضا می‌کند برنامه انبیای گذشته است و علم و اجرا باید با دین هماهنگ شود، خاطرنشان کرد: حضرت امام خمینی (ره) تعبیری دارند که می‌فرمایند: حوزه و دانشگاه باید در هم ذوب شوند؛ یعنی نرم‌افزار آنها باید در هم ذوب شود، بدین معنی که هم استنباط حوزه مقوم به دانش شود و هم دانش با استنباط قوام پیدا کند.

عضو مجلس خبرگان رهبری در پایان بر حجیت وحی تأکید و عنوان کرد: حجیت علم و برنامه‌ریزی زمانی معتبر است که زیرمجموعه وحی قرار گیرد؛ در غیر این صورت، دین آن را تأیید نمی‌کند. برای ایجاد هماهنگی میان استنباط دینی، علم و اجرا، باید نرم‌افزاری طراحی شود که این سه را به هم پیوند دهد و شبکه‌ای از تحقیقات نیز بر پایه آن شکل بگیرد.

آیت‌الله میرباقری خاطرنشان کرد: در این فرآیند، حوزه، دانشگاه و نظام برنامه‌ریزی به هم نزدیک می‌شوند تا علم و برنامه‌ریزی دینی شوند و استنباط نیز ارتقا یابد. تحقق دولت اسلامی نیازمند چنین سازوکاری است که عقل نظری، عقل عملی، عقل تجربی، استنباط و برنامه‌ریزی را یک‌جا در نظر بگیرد.

ادبیات شیعی، گنجینه تاریخ و معارف است

مالک اشتر: «یا رب جنبنی سبیل الفجره / و لا تخبینی ثواب البرره/ واجعل وفاتی باکف الکفره» و نیز کلام قیس بن سعد: «یا ذا الجلال لقن الشهاده / شهادة تتبعها سعادة/ لیت ما یطلب العداة أتنا / انعم الله بالشهاده عینا».

استاد عطار به مظلومیت امام حسن (ع) در ادبیات اشاره کرد و از جمع‌آوری «۱۸ جلد قصائد» و «۴ جلد سایر فنون ادبیات» پیرامون ایشان خبر داد. همچنین به اشعار نادیده گرفته شده‌ای چون دو شعر منتبّی در مدح حضرت علی (ع) که در دیوانش نیست، اشاره کرد. که یکی از آن‌ها می‌گوید: «و ترکت مدحی للوصی تعمدا / اذ کان نورا مستطیلا شاملا / و اذا استطال قام بنفسه / وصفات ضوء الشمس تذهب باطلا».

● ضرورت جمع‌آوری و احیای متون شیعی: طرحی برای آینده

استاد شیخ قیس بهجت العطار در بخش پایانی سخنان خود، به چالش‌ها و ضرورت‌های پیش روی احیای ادب شیعی پرداخت. وی تأکید کرد که بسیاری از اشعار شیعی، به‌ویژه اشعار ولایی و برائتی، در دواوین موجود شاعران شیعه، به دلیل سانسور یا فقدان نسخ خطی، یافت نمی‌شوند و تنها در کتبی نظیر «مثالب أعداء آل ابیطالب» یا مناقب پراکنده‌اند.

وی بر این باور است که حوزه علمیه و مراکز پژوهشی، مسئولیت بزرگی در جمع‌آوری، تصحیح («ضبط»)، و شرح این گنجینه‌های ادبی بر عهده دارند. به دلیل فشار بر شیعیان در طول تاریخ، بسیاری از نسخ خطی این اشعار، اندک، مخدوش یا ناخوانا هستند که نیازمند تلاشی مجدانه برای احیای آن‌هاست. این امر، نه‌تنها به حفظ میراث فرهنگی و ادبی شیعه کمک می‌کند، بلکه ابزاری قدرتمند برای تبیین حقایق و پاسخگویی به شبهات تاریخی و عقیدتی خواهد بود.

این اشعار صرفاً ادبیات نیستند، بلکه حامل معارف عمیق اسلامی‌اند. استاد عطار به این مؤلفه‌ها و شواهد شعری آن اشاره کرد:

ولایت و امامت: اشعاری که حضرت علی (ع) را «اب بر بنا نفاح» (پدری نیکوکار و بخشنده برای ما) می‌خوانند، همچون کلام مالک اشتر: «هذا علی فی الدجا مصباح و هو ولی ازهر جججاج / السننا فی مدحه فصاح و هو اب بَرّ بنا نفاح فلیطلب القتال و الکفاح یا حیدا للجنة الرواح». وصایت و ولویت اسلام: اشعاری نظیر «علی وصی المصطفی و وزیره / و الاول من صلی لذ العرش و اتقی» از عبدالرحمن بن حنبل جمعی. جایگاه امامان مخصوصا سبطین علیهماالسلام: اشعار متعددی، از جمله سروده مالک اشتر: «کل شیء سوي الامام صغیر/ وهلاك الامام خطب کبیر/ من رضاه إمامه دخل الجنة/ عفوا و ذنبه مغفور...».

مفهوم مهدویت: حتی در اشعار صحابه معمر، نظیر ابوظفیل، اشاراتی به امام زمان (عج) یافت می‌شود: «فلا تجزعوا ان أعقب الدهر دولة/ اصبح مناکم قریبا بعیدها/ فانّ لاهل الحق لابد دولة / علی الناس یرجى وعدها و وعیدها».

«مصطلح الشیعة»: واژه «شیعه» به صراحت در برخی از اشعار، مانند کلام ابوظفیل: «اخواننا شیعتنا لا تعتدوا / و آزروا المهدی کیمما ترشدوا/ و کی تبالوا شرفا و تسعدوا» به کار رفته است.

انتقادات صریح و برائت جویانه: اشعاری که به حوادثی چون سقیفه، غصب فدک و ظلم به اهل بیت (ع) اشاره دارند، نظیر شعر قیس بن سعد انصاری که می‌گوید: «سأصبر نفسی ما استطعت فانّ أبت/ و جلّت رزایاها و حلّ مصابها/ فلی یعلّئ اسوه و بقاطم / غداة محی بعد الکتاب کتابها».

طلب شهادت: شهادت‌طلبی در اشعار بسیاری از یاران حضرت علی (ع) موج می‌زند، نظیر دعای

استاد عطار، تقسیم‌بندی سنتی ادبیات عرب به ادوار جاهلی، اسلامی، اموی و عباسی را نقد کرد و تقسیم‌بندی دقیق‌تری را پیشنهاد داد: جاهلی، اسلامی در زمان پیامبر (ص)، سپس عصر خلفا (که با منع تدوین حدیث و سوزاندن آن همراه بود) و در نهایت، مقطع خاص خلافت امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن (ع). در این دوره اخیر، به دلیل آزادی بیان بی‌سابقه‌ای که حضرت علی (ع) فراهم آوردند و سفارش به کتابت و تدوین، نظیر امر ایشان به «مالک احضِر الدوات و الحبر فإنی ساقول خطبة فی هذه الجمعة خطبة عصماء»، ادب شیعی یا همان ادب اسلامی به اوج خود رسید. استاد عطار به تدوین ۱۲ دیوان از «سلسلة دواوین الشعراء من اصحاب علی امیرالمؤمنین» اشاره کرد که شامل اشعار اصحاب، دشمنان و مذبذبین است. وی متذکر شد که اشعار دشمنان یا مذبذبین حضرت علی (ع)، هیچ‌گاه نتوانست ایرادی بر فضایل، عدالت یا نسب آن حضرت وارد کند و تنها به اتهامات سیاسی پیرامون قتل عثمان محدود می‌شد.

در عصر بنی‌امیه، به رغم اختناق و ترویج «نقائص» برای انحراف افکار عمومی، اشعار ولایی به حیات خود ادامه داد. استاد عطار با رد نظریه ابوالفرج اصفهانی مبنی بر کمبود مرثیه برای امام حسین (ع) در این دوره، تأکید کرد که به رغم ترس و لرز، «قصائد عظیمی در مرثیه امام حسین» به دست ما رسیده است. در دوران بنی‌عباس، شاهد ظهور شاعران برجسته شیعی همچون ابوتّمام و منتبّی بوده‌ایم که نیازمند پژوهش‌های عمیق‌تر هستند.

● مؤلفه‌های برجسته ادب شیعی و نمونه‌های آن

یکی از مهمترین ویژگی‌های ادب شیعی، آمیختگی آن با مفاهیم تاریخی و عقیدتی است.

● ادب شیعی؛ از ریشه‌های شفاهی تا اوج نظام مند

در نشستی علمی با عنوان «تاریخ تحلیلی ادبیات عرب»، استاد شیخ قیس بهجت العطار در مدرسه ادبیات و زبان‌شناسی دارالعلم که در حرم مطهر رضوی برگزار شد، به واکاوی ریشه‌ها و سیر تحولات ادبیات عرب و به‌ویژه ادب شیعی پرداخت. وی در ابتدای بحث به خاستگاه شفاهی ادبیات عرب در عصر جاهلیت اشاره داشت که تدوین به معنای جمع‌آوری و «دَوْن شیء جَمعه» کمتر رواج داشت و نگارش غالباً به معاهدات مهم یا اشعار برجسته‌ای چون «معلقات سبعة» محدود بود. این ویژگی شفاهی، زمینه را برای انکار برخی آثار جاهلی، نظیر دیدگاه طه حسین در کتاب «الادب العربی»، فراهم آورده است.

با ظهور اسلام، حرکتی عظیم در تدوین آغاز شد و مفاهیم جدیدی به ادبیات راه یافت. استاد عطار به این بحث دیرین میان ادب اشاره کرد که آیا شعر جاهلی قوی‌تر است یا شعر اسلامی. در پاسخ به نظریه محدودیت شعر اسلامی به دلیل منع مسائلی چون خمر و غزل‌سرایی برای زنان، وی با استناد به اشعار حسان بن ثابت در مدح پیامبر اکرم (ص) نظیر «خَلَقْتَ مبراً من کل عیب کان قد خلقت کما تشا» و مقایسه آن با فصاحت شعر جاهلی چون «لله در عصابة نادمتهم یوما بجلق فی الزمان الاول شما الوجه کریمه شم الانوف کریمه احسابهم لا یسالون عن سواد المقلی»، برتری ادبیات اسلامی را در عمق معنا و افق‌های جدیدی که مفاهیم قرآنی گشود، تأکید کرد. این تحول، به رغم برخی محدودیت‌های اخلاقی، عمق و اصالت را به ادبیات بخشید.

● ادب شیعی؛ بستر آزادی در عصر امیرالمؤمنین (ع) و چالش در دوران بنی‌امیه

تبیین ابعاد معرفت از منظر احادیث رضوی

● سوره توحید: تبلور معرفت توحیدی

معظم‌له در بخش پایانی سخن خود، به حدیثی دیگر از حضرت رضا (علیه السلام) اشاره فرمودند که در آن، یکی از اصحاب از ایشان درباره حقیقت توحید سؤال می‌کند. حضرت در پاسخ می‌فرمایند: «کُلّ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آمَنَ بِهَا وَ قَدْ عَرَفَ التَّوْحِيدَ». ایشان فرمودند: «هر کس سوره قل هو الله احد را بخواند و به آن ایمان آورد، به تحقیق توحید را شناخته است.»

آیت‌الله سیدان در توضیح این حدیث شریف، تصریح داشتند که سوره مبارکه توحید، با عبارات کوتاه و در عین حال پرمحتوای خود، تمامی ابعاد توحید را تبیین و در جان انسان رسوخ می‌دهد. ایشان به تفسیر مفاهیم کلیدی این سوره پرداختند: "الله احد" بر یگانگی محض خداوند دلالت دارد؛ "الله الصمد" بر بی‌نیازی مطلق خداوند و پناهگاه بودن او برای همه مخلوقات؛ "لم یلد و لم یولد" بر نفی هرگونه تولد و زایش از خداوند و از هرگونه زاییده شدن او از چیزی؛ و "و لم یکن له کفو احد" بر نفی هرگونه همتا و مانند برای خداوند.

آیت‌الله سیدان در پایان، با تأکید بر اهمیت تدبر عمیق در روایات رسیده از معصومین (علیهم السلام) که به حق، باب حکمت و گنجینه حقایق‌اند، ابراز امیدواری کردند که همگان از این آموزه‌های گرانبها و روشنگر، نهایت بهره را ببرند.

آن شیء بر او نیز صادق خواهد بود، در حالی که ذات مقدس او غنی بالذات و بی‌نیاز از هرگونه نقص و نیاز است و هرگونه شباهت، مستلزم نقص و محدودیت است.

● استدلال عقلی در اثبات علت غایی هستی

آیت‌الله سیدان در تبیین ابعاد کلامی این معرفت، با استمداد از برهان عقلی، ضرورت وجود "علت غنی بالذات" را برای هستی تبیین و تشریح نمودند. ایشان فرمودند: هستی ما و سایر موجودات، منطقاً دو حالت متصور دارد: یا بدون علت به وجود آمده‌ایم، یا دارای علت هستیم. اینجاست که عقل، به عنوان داور نهایی و بی‌طرف در این مباحث، حکم می‌کند که معلول بدون علت، امری محال است. بنابراین، هستی ما و تمام کائنات، نیازمند علتی است که خود معلول نباشد. اگر آن علت نیز خود نیازمند علت دیگری باشد، تسلسل باطل لازم می‌آید و این نیز از نظر عقلی محال است. لذا، سلسله علل و معلولات باید به علتی منتهی شود که خود معلول نیست و قائم به ذات خویش است و به تعبیر قرآن کریم، "صمد" است؛ و این علت، همان ذات مقدس حضرت حق است که هیچ چیز از او جدا نشده و او نیز از هیچ چیز جدا نشده است. این تبیین، جایگاه والای عقل را به عنوان ابزاری مهم و ضروری در شناخت خداوند و رد باورهای سست و باطل، برجسته می‌سازد.

غنی بالذات بودن و بی‌نیازی مطلق را نیز شامل می‌شود. بنابراین، معرفت به این که "لا اله غیره" بدین معناست که جز یک خداوند متعال، خدای دیگری در هستی وجود ندارد و او یگانه و یکتاست.

دومین اصل، بی‌شبهاتی و بی‌مانندی ذات باری تعالی است. خداوند متعال، هیچ‌گونه شبیه، نظیر و مانندی ندارد. ذات مقدس او به گونه‌ای است که با هیچ موجودی از مخلوقات، قابل مقایسه و همانندی نیست. این اصل، هرگونه پندار تشبیه، تجسیم و محدودیت را از ساحت قدس الهی نفی می‌کند و بر تعالی مطلق او صحه می‌گذارد.

سومین مؤلفه از "ادنی المعرفة"، اذعان به هستی و وجود خداوند است؛ موجودی که معدوم نیست، بلکه "مثبت" و "موجود" است و "قدیم" می‌باشد.

قدیم بودن به معنای ازلی بودن اوست؛ یعنی آغازی برای وجود او متصور نیست و همواره بوده است. این اصل در مقابل تمام موجودات ماسوای او قرار می‌گیرد که "حادث" و "مخلوق" هستند و آغازی برای وجودشان متصور است.

چهارمین و آخرین نکته در این حدیث، تأکید نهایی بر بی‌همتایی ذات الهی است؛ بدان معنا که "لیس کمثله شیء". هیچ چیز مانند خداوند نیست و هیچ شیئی نمی‌تواند شبیه او باشد. زیرا اگر شبیه داشته باشد، احکام و ویژگی‌های

با حضور آیت‌الله سیدان درس اخلاق در مدرسه تابستانی دارالعلم برگزار شد. در این نشست، معظم‌له با استناد به حدیثی شریف از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که در کتاب "عیون اخبار الرضا" ثبت گردیده است، به تبیین مفهوم بنیادین "ادنی المعرفة" یا حداقل شناخت لازم از خداوند متعال پرداختند.

● تفسیر «ادنی المعرفة» در کلام امام رضا (ع)

آیت‌الله سیدان در آغازین دقایق سخن خویش، به حدیثی گرانقدر از حضرت رضا (علیه السلام) اشاره نمودند که جناب فتح جرجانی، از ایشان درباره "ادنی المعرفة" سؤال نموده است. حضرت در پاسخ، بیانی جامع و مانع ارائه فرموده‌اند: «أَدْنَى الْمَعْرِفَةِ قَالُ الْإِقْرَازُ بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا تَطْلِيلَ لَهُ وَ أَنَّهُ مُثَبَّتٌ قَدِيمٌ مَوْجُودٌ غَيْرُ فَقِيدٍ وَ أَنَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ».

معظم‌له در تشریح ابعاد این روایت شریف، اذعان داشتند که این حدیث، کمترین حد معرفت نسبت به خداوند متعال را در قالب اصولی بنیادین تبیین می‌کند که هر جوینده حقیقت را ناگزیر از پذیرش آنها می‌سازد. ایشان در توضیح این اصول فرمودند:

نخستین و اساسی‌ترین رکن معرفت، اقرار به یگانگی خداوند و نفی هرگونه شریک و معبودی جز اوست. حقیقت "اله" در این بیان، نه تنها شایستگی برای پرستش را در بر می‌گیرد، بلکه

بررسی و نقد مناسبات فقه خانواده و مسئله عدالت

و لایتغیر عالم تکوین اند و از همین رو، احکام شرعی نیز که هماهنگ با فطرت و طبیعت انسان اند، بر این مبانی تقنینی بنا شده‌اند.» در مقابل، وی قوانین تدبیری را مطرح کرد و گفت: «قوانین تدبیری، به مثابه راهکارهای حل مسئله در مواجهه با چالش‌های زمانه عمل می‌کنند. این قوانین، انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، برای تحقق اهداف شریعت وضع می‌شوند.»

استاد حکمت‌نیا در ادامه، به تشریح روش‌های استنباط این قوانین با تکیه بر دو مفهوم محوری «کرامت انسانی» و «زوجیت» در نظام هستی پرداخت. ایشان تأکید ورزید که «زوجیت نه تنها در روابط انسانی، بلکه در کل نظام آفرینش، اصلی لاینفک و بنیادین است و این اصل، مبنای درک صحیح از جایگاه زن و مرد در نهاد خانواده و اجتماع محسوب می‌شود.» از نگاه ایشان، «قوانین فقهی باید با عنایت به این اصل کلی و با هدف تضمین کرامت انسانی هر دو جنس، مورد استنباط و اجرا قرار گیرند.» وی در تبیین این دیدگاه، خاطرنشان ساخت: «زمانی که حزن و اندوه از میان می‌رود و رابطه زوجیت بر پایه شفقت و عشق استوار می‌شود، ادبیات قیامت نیز در روابط انسانی جلوه‌گر می‌گردد و مفهوم «وَيَقْلِبُ أَهْلَهُ مَسْوَرًا» به معنای حقیقی خود محقق می‌شود.»

دکتر حکمت‌نیا همچنین تصریح کرد: «در روابط خانوادگی، هرچند اختلافات اجتناب‌ناپذیرند، اما ادبیات حقوقی نباید به «خصومت» و «دعوا» منجر شود، بلکه باید آن را «شقاق» یا شکافی در پیکره زوجیت دانست که نیاز به تدبیر و اصلاح دارد.» به گفته ایشان، این تدبیر نیز دو مرحله دارد که در راستای "اصلاح ذات البین" و رفع این "اختلال" عمل می‌کند. این رویکرد، فقه را از دام تقلیل‌گرایی حقوقی رهانیده و آن را در مسیر تحقق اهداف متعالی شریعت قرار می‌دهد. هدف نهایی، دستیابی به یک نظام فقهی است که ضمن حفظ اصول ثابت، قادر به پاسخگویی به تحولات و چالش‌های جدید باشد.

مرتبط با خانواده، نمی‌توانند فارغ از درک عمیق از ماهیت انسان و اصول حاکم بر نظام خلقت، مورد استنباط قرار گیرند. خانم دکتر میرخانی تأکید کرد که «تکیه بر اصولی چون مودت، رحمت و کرامت انسانی، بنیان‌های مستحکمی برای استقرار عدالت در روابط خانوادگی فراهم می‌آورد.» این اصول، نه تنها ابعاد حقوقی، بلکه جنبه‌های اخلاقی و معنوی روابط خانوادگی را نیز پوشش می‌دهند و زمینه‌ساز تحقق سعادت حقیقی در این نهاد می‌شوند.

دکتر میرخانی در ادامه، با نقدی بر رویکردهای صرفاً حقوقی به نهاد خانواده، بیان داشت: «رویکرد صرفاً حقوقی به نهاد خانواده، بدون در نظر گرفتن ابعاد اخلاقی و معنوی، منجر به تقلیل جایگاه خانواده و فروکاستن آن به مجموعه‌ای از تعهدات خشک حقوقی می‌شود.» وی افزود: «این نگاه تقلیل‌گرایانه، در تعارض با آموزه‌های غنی شریعت است که خانواده را بر پایه مودت و رحمت بنیان نهاده و کرامت ذاتی انسان را در کانون این روابط قرار داده است.» از منظر ایشان، «عدالت در فقه خانواده باید فراتر از صرف تقسیم حقوق و تکالیف، به تحقق سعادت و کمال انسانی در بستر خانواده نیز بینجامد.» این دیدگاه، فقه خانواده را از یک نظام خشک قانونی به یک منظومه متعالی برای رشد و شکوفایی انسانی ارتقا می‌دهد. ایشان معتقد است که روابط خانوادگی باید زمینه‌ای برای تعالی انسان باشد و این تعالی جز با رعایت کرامت و گسترش مودت و رحمت محقق نمی‌شود.

● قوانین تقنینی و تدبیری؛ استنباط با محوریت کرامت انسانی و مفهوم زوجیت

استاد حکمت‌نیا، آخرین سخنران این نشست، به تبیین روش‌شناسانه «دسته‌بندی قوانین و شیوه‌های استنباط آن‌ها» پرداخت. ایشان قوانین را به دو دسته کلان «تقنینی (پایه)» و «تدبیری (حل مسئله)» تقسیم کرد. وی در توضیح این دسته‌بندی اظهار داشت: «قوانین تقنینی، همان اصول بنیادین و غیرقابل تغییر نظام هستی هستند که شریعت نیز بر مبنای آنها استوار است. این قوانین، بیانگر حقایق ثابت

حقیقی آن کافی نیست و باید مسئله عدالت را به مثابه یک موضوع پژوهشی مستقل و با رویکردی عمیق‌تر مورد اهتمام قرار داد.» این رویکرد، به گفته دکتر عباسوند، باید به استخراج نظریه‌ای منجر شود که نه تنها از حیث نظری منسجم باشد، بلکه در مقام عمل نیز راهگشا و کاربردی جلوه کند.

خانم دکتر عباسوند در ادامه، بر چند محور اساسی در راستای دستیابی به این نظریه جامع تأکید ورزید. وی نخست، «تبیین اصول عدالت» را ضروری دانست؛ اصولی که به مثابه مبنای نظری، زیربنای فهم ما از عدالت را تشکیل می‌دهند. دوم، «تعیین معیارهای عدالت» را مطرح ساخت؛ معیارهایی که ابزار سنجش و ارزیابی تحقق عدالت در مصادیق مختلف را فراهم می‌آورند. و سوم، «واکاوی پیامدهای عدالت» را پیش کشید؛ پیامدهایی که نشان‌دهنده آثار عملی و نتایج اجتماعی استقرار عدالت هستند. به بیان خانم دکتر عباسوند، «فقدان چارچوب نظری مشخص برای عدالت، گاه به برداشتهای سلیقه‌ای و نامنسجم از احکام شرعی می‌انجامد و زمینه را برای چالش‌های عملی در حوزه‌های مختلف، از جمله فقه خانواده، فراهم می‌آورد.» او افزود: «اگر فقیهان و پژوهشگران حوزه دین، به «تعقیبات علمی» و «مهندسی نظری» بپرامون بحث عدالت و نسبت آن با احکام شرعی نپردازند، فقه در مواجهه با مسائل مستحدثه دچار مشکل خواهد شد و قابلیت پاسخگویی جامع و مانع را از دست خواهد داد.» در این راستا، وی کتاب "عدالت، زن، جنسیت" (منتشر شده در ۱۴۰۳) را به عنوان منبعی برای تفصیل این مباحث معرفی نمود.

● فقه خانواده و پیوندهای آن با ساختار اجتماعی؛ نگاهی کلامی به عدالت

در بخش دوم این هم‌اندیشی، خانم دکتر میرخانی، به «نسبت‌سنجی میان عدالت در فقه خانواده و ساختار اجتماع» پرداخت. او بر این نکته اصرار ورزید که «بینش کلامی و رویکرد انسان‌شناختی در فهم فقه، از اهمیت بسزایی برخوردار است.» به عقیده وی، احکام فقهی

در سلسله نشست‌های علمی مدرسه تابستانی دارالعلم که توسط مدرسه فقه و اصول در تالار شیخ طوسی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی برگزار گردید، موضوع بنیادین «فقه خانواده با نگاهی به جایگاه عدالت» مورد واکاوی عمیق قرار گرفت. در این همایش علمی، اساتید و محققان برجسته حوزه و دانشگاه، خانم دکتر عباسوند، خانم دکتر میرخانی و استاد حکمت‌نیا، هر یک از منظری تخصصی، ابعاد گوناگون این موضوع حیاتی را تبیین نمودند. خانم دکتر عباسوند به نسبت عدالت با احکام شرعی و فقدان نظریه جامع عدالت در مطالعات اسلامی اشاره کرد و بر لزوم تبیین اصول، معیارها و پیامدهای عدالت تأکید ورزید. در ادامه، خانم دکتر میرخانی به نسبت‌سنجی میان عدالت در فقه خانواده و اجتماع پرداخت و بر نقش بینش کلامی در فقه و اهمیت اصول حاکم بر خانواده مانند مودت، رحمت و کرامت تأکید نمود. همچنین استاد حکمت‌نیا قوانین را به دو دسته تقنینی (پایه) و تدبیری (حل مسئله) تقسیم کرده و به روش‌های استنباط این قوانین با تکیه بر کرامت انسانی و مفهوم "زوجیت" در نظام هستی پرداخت. هدف کلی این نشست، بررسی عمیق جایگاه عدالت در احکام فقهی مرتبط با خانواده و پاسخ به چالش‌های معاصر در این زمینه بود.

● ابعاد ناگفته عدالت در فقه؛ از فقدان نظریه تا ضرورت تبیین اصول

خانم دکتر عباسوند، نخستین سخنران این نشست، سخنان خود را با طرح این پرسش کلیدی آغاز کرد که آیا فقه اسلامی دارای یک نظریه جامع و منسجم درباره عدالت است؟ وی با تأکید بر کثرت مباحث و گستردگی آثار پیرامون عدالت در مطالعات اسلامی، تصریح کرد که با وجود این حجم وسیع از گفت‌وگوها، همچنان شاهد «فقدان یک نظریه جامع و عملیاتی عدالت» هستیم. این فقدان، صرفاً یک خلأ نظری نیست، بلکه پیامدهای عملی فراوانی در پی دارد. وی معتقد است که «صرف تحسین عدالت و بازگویی روایات دینی، برای تبیین ابعاد

حرکت علمی حوزه خراسان زمینه‌ساز پیشگامی در جهان اسلام است

علمی در این بستر در میان اساتید ترویج پیدا کند و این گفتگوها و مراودات علمی در بین اساتید به مراتب بیش از ملاحظات علمی میان استاد و طلبه، دارای اثرگذاری خواهد بود.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران ضمن ارزیابی مثبت از اقدام مدرسه تابستانی دارالعلم، پیشنهاداتی را برای ارتقای کیفی آن ارائه داد و با اشاره به نقش این دوره‌ها در ارتقای جایگاه علمی حوزه علمیه خراسان و آستان قدس رضوی، گفت: برگزاری قوی و جدی دارالعلم می‌تواند به ارتقای علمی حوزه علمیه خراسان کمک کند و امیدواریم این تلاش‌ها منجر به پیشگامی این حوزه در نهضت علمی حوزوی جهان اسلام و ایجاد فضای گفتگو و تبادل نظر بین اساتید باشد.

موردنظر آنان بر این برنامه دریافت شود. حجت الاسلام ارسطا تبادل نظر با اساتید را موثر در راستای نزدیکی دیدگاه‌های علمی، شکل‌گیری نهضت علمی و انتقال سریع‌تر مفاهیم علمی عنوان و تصریح کرد: حضور اساتید مختلف در دارالعلم فرصتی مغتنم برای ایجاد گفتگوهای علمی است و این تبادل نظرها می‌تواند به نزدیکی دیدگاه‌های علمی، شکل‌گیری نهضت علمی و انتقال سریع‌تر مفاهیم منجر شود و تاثیرگذاری بیشتری نسبت به ارائه صرف مطالب توسط اساتید بر طلاب داشته باشد.

وی حضور اساتید در دارالعلم و ایجاد لجنه‌های علمی را در نزدیکی آراء موثر عنوان و ابراز کرد: دارالعلم کمک می‌کند تا نهضت‌های علمی تحقق یافته و پاره‌ای از مفاهیم و بحث‌های

وی در ادامه، به ارائه سه پیشنهاد مشخص برای بهبود عملکرد این مدرسه تابستانی پرداخت و تصریح کرد: دارالعلم باید تلاش کند با بهره‌مندی از اساتید و فضایی برجسته حوزه علمیه خراسان و حوزه علمیه قم، از این ظرفیت علمی بیشتر بهره‌برد و با اولویت، از اساتید و فضایی حوزه علمیه خراسان نیز بیش از گذشته در مدرسه تابستانی دارالعلم استفاده شود.

عضو هیات علمی دانشگاه تهران برای انتخاب دقیق‌تر و کارآمدتر موضوعات مورد بحث پیشنهادی مطرح کرد که با اساتید دوره‌های پیشین مشورت، و از نظرات و اولویت‌بندی‌های آن‌ها استفاده شود و همچنین گفت: در تعیین موضوعات هرساله دارالعلم در مباحث و نشست‌های علمی، با اساتید حاضر در دوره نیز رایزنی و محورهای

عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت: برگزاری قوی و جدی دارالعلم می‌تواند به ارتقای علمی حوزه کمک کند و منجر به پیشگامی این حوزه در نهضت علمی حوزوی جهان اسلام و ایجاد فضای گفتگو و تبادل نظر بین اساتید باشد.

حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد ارسطا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، در گفتگو با خبرنگار ستاد خبری دارالعلم، برگزاری مدرسه تابستانی دارالعلم را اقدامی مثبت و تاثیرگذار در تحقق نشاط علمی و انتقال مفاهیم جدید ارزیابی و عنوان کرد: برنامه ریزی برای آغاز یک حرکت علمی در قالب مدرسه تابستانی دارالعلم امسال و دوره‌های قبل توانسته است در انتقال مفاهیم جدید علمی نقش‌آفرینی مفیدی داشته باشد.